



حکمرانی آب (مدیریت یکپارچه منابع آب)

علیرضا تن آسان^۱، محمدرضا یوری^{۲*}، حسین جمشیدی^۳، محسن برزعلی^۴، مهدی حکیمی^۵

۱- کارشناس ارشد حقوق، شرکت مهندسی سامان آب جنوب

۲- دانشجوی دکتری مهندسی آبیاری و زهکشی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۳- رئیس گروه طرح‌های آبرسانی، شرکت آب منطقه‌ای گلستان

۴- کارشناس گروه طرح‌های شبکه‌های آبیاری و زهکشی، شرکت آب منطقه‌ای گلستان

۵- رئیس امور اداری، شرکت آب منطقه‌ای گلستان

*نویسنده مسئول: mohammadreza.youri@gmail.com

مقدمه

"حکمرانی آب" به کلیت نظام‌هایی اطلاق می‌شود که در تصمیم‌گیری درباره توسعه و مدیریت منابع آب دخیل هستند. به زبان همکاری جهانی آب، "حکمرانی آب" «به طیفی از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری مربوط می‌شود که برای توسعه و مدیریت منابع آب و عرضه خدمات آبی در سطوح مختلف جامعه وجود دارند».

در حکمرانی آب بحث راه و رسم تصمیم‌گیری درباره آب مطرح است: چگونه، به دست چه کسی، و تحت چه شرایطی. هم طریقه‌ای که تصمیمات درباره تخصیص و تنظیم آب گرفته می‌شود، و هم نهادهای رسمی و غیررسمی که توسط آن‌ها اختیارات اعمال می‌شود.

"حکمرانی آب" ماهیتاً فرایندی سیاسی است، بدین معنا که برای برقراری توازن میان منافع رقیب درباره این که چه کسی مستحق چه خدماتی است، چگونه خدمات فراهم شوند، چه کسی پرداخت کند و چگونه میان منافع رقیب توازن برقرار شود و نیز تصمیمات درباره نحوه حفاظت از منابع آب مستلزم انتخاب سیاسی است. نظام‌های حکمرانی آب معمولاً بازتاب واقعیات سیاسی در سطوح ملی، استانی و محلی هستند. بنابراین بحث کاملاً جداگانه حکمرانی آب از حکمرانی جامعه ناممکن است.

در حالی که تعاریف حکمرانی نسبتاً بحث‌برانگیز نیستند، مؤلفه‌های حکمرانی خوب فوق‌العاده محل بحث است. برخی معتقدند که گروه‌های مختلف چشم‌اندازهای مختلفی از «حکمرانی مطلوب» دارند، که متأثر ایدئولوژی آنان است. برخی تحقق حکمرانی خوب را عمدتاً با حذف محدودیت‌ها برای هموارشدن عمل بازار و به حداقل رساندن نقش دولت میسر می‌دانند، و حکمرانی بد را بازارهای بی‌کفایت و دولت حجیم. برخی دیگر نیز، ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی و حق تصمیم‌گیری در پائین‌ترین سطوح را برای حکمرانی خوب برمی‌شمارند.

بیان مسئله

حکمرانی آب و تخصیص بهینه‌ی آب در ایران اصولاً مانند اکثر بخش‌های اقتصاد ایران، نه مبتنی بر تئوری‌های اقتصادی، که مبتنی بر تئوری‌های رفاقت، رابطه، رانت، لابی‌گری، نقض قانون، آزمون‌وخطا، تقلیدی و مافیای انجام می‌شود. بیشتر پروژه‌هایی که از آب به‌عنوان یک نهاده استفاده می‌نمایند یا پروژه‌های سدسازی و انتقال آب که محصول نهایی آن‌ها آب است، مبتنی بر تئوری‌های ذکرشده و به‌صورت ناسازگار با زیست‌بوم، توسعه‌ی پایدار و متوازن و متناقض با توان اکولوژیکی حوضه‌ی آبریز، احداث شده‌اند و امروز هیچ نهادی مسئولیت فاجعه‌ی «بحران آب» در کشور را برعهده نمی‌گیرد.



در صورتی که وزارت نیرو، شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت‌های مشاور آن‌ها باید در قبال فاجعه‌ی آب در کشور مورد بازخواست و پیگرد قانونی قرار گیرند و ارتباط خود با مافیای تخصیص آب در جمهوری اسلامی ایران را شفاف سازند. منابع آب مانند منابع نفت و گاز نیست که زیان ناشی از عدم تخصیص بهینه‌ی آن در بلندمدت احساس شود و در کوتاه‌مدت بتوان با شوک‌درمانی فاجعه را به تأخیر انداخت یا با تغییر سیاست‌ها در طی مدتی به روند تخصیص بهینه بازگشت.

تخصیص غیربهینه‌ی آب در کوتاه‌مدت خسارات ناگواری در پی خواهد داشت و شوک‌درمانی نیز برای جلوگیری از فاجعه‌ی ناشی از آن مؤثر نیست. به طوری که اثرات کوتاه‌مدت آن اجازه‌ی تجربه‌های تلخ بلندمدت را نخواهد داد. شاید این جمله‌ی جان مینارد کینز که «در بلندمدت همه‌ی ما مرده‌ایم» دقیقاً در ارتباط با تخصیص بهینه‌ی منابع آب قابل تعمیم باشد. البته در ارتباط با منابع انسانی، جنگل و خاک نیز سیاست‌های مشابه اجرا می‌گردد.

متأسفانه برخی مسئولین دولتی و نمایندگان مجلس بدون آگاهی یا مغرضانه به حمایت از طرح‌های سدسازی و انتقال آب بین حوضه‌ای و حتی واردات آب از خارج پرداخته‌اند که در اکثر موارد در راستای اهداف مافیای آب است. همچنین متأسفانه قوه‌ی قضائیه نیز به دلیل مشغله‌ی زیاد در فسادهای بانکی-مالی، زمین‌خواری و رانت‌های استخدامی، هنوز از فساد و رانت آب غافل مانده و همین امر منجر به تقویت مافیای آب شده است؛ تا حدی که شاید مافیای آب تبدیل به قدرتمندترین و ثروتمندترین مافیا در ایران شده است.

حکمرانی آب

حکمرانی آب همان رفتار کنترل کننده‌ی است که از طریق اقدامات مدیریتی و/یا با وضع مقررات آب (در طیف وسیعی از سیستم‌های سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و اداری) به کار گرفته می‌شود و نهایتاً منجر به تنظیم «تخصیص» و بهبود شرایط «بهره برداری» از آب میگردد. حکمرانی آب مشخص میکند که «چه کسی و در چه شرایطی به آب دسترسی دارد»؛ «حفاظت کمی و کیفی از آب چگونه است»؛ «قاعده مدیریت آب چیست و نقش مشارکت‌گرواران در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تا کجاست»؛ «سیاست‌های بهره‌وری و صرفه‌جویی در مصارف آب کدامند»؛ «داوری اختلافات و تعارضها به دست کیست»؛ ... و نقطه تمرکز آن بر سه پرسش محوری قرار دارد: «تصمیمات چگونه اخذ میشوند»، «چه کسی میتواند آب را مصرف کند» و «چگونه از پایداری منابع آب حفاظت میشود» دشواری اصلی در حکمرانی آب در یک جمله میگنجد: «هر گروه و تشکیلاتی فکر میکند که آب به او تعلق دارد، اما کسی اراده‌ی برای حفاظت از آب ندارد» در هندوستان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها دلیل کوتاهی‌ها حکمرانی بد یا ناقص است. «آنچه ما به آن احتیاج داریم حکمرانی خوب با مشارکت و همراهی‌گرواران است و نه دولت کامل و بی نقص».

فاصله‌گذاری میان فعل (حکمرانی) از فاعل آن (دولت) وضع شده و حکمرانی را فراتر از دولت (و حتی حکومت) مورد نظر قرار داده است. در این رویکرد، نقش دولت و حکومت در جامعه متعادل شده و به نقش مردم و نهادهای مردمی نیز توجه شده است. دولت یا حکومت را میتوان از دو منظر جداگانه تعریف کرد: به عنوان نهاد و یا به عنوان فرآیند. از منظر نهادی، دولت یا حکومت مجموعه‌ای از سازمانها و مؤسسات (تشکیلات، وزارتخانه، ...) و نیز افرادی که آنها را هدایت و اداره میکنند است. اما از منظر فرآیندی، منظور از دولت و حکومت همان عمل یا روش حکومتکردن است. تعریف اخیر بسیار مشابه تعریفی است که از حکمرانی ارائه میدهند: «عمل، روش و یا وظیفه حکومتکردن، نفوذ و کنترل». اما امروزه صاحب‌نظران با ارایه تعاریف دیگری از مدیریت و حکمرانی، آن را گسترده‌تر تصور کرده و صرفاً شامل دولت و نهادهای



دولتی نمیدانند. حکمرانی خوب، رویکردی است که در نتیجه ناکامی سیاستهای «دولت رفاه و اقتصاد لیبرال» از اواخر دهه ۱۹۸۰میلادی به بعد، شکل گرفت. این رویکرد یا نظریه، با تشویق کشورهای در حال توسعه برای خصوصی سازی، مقررات زدایی و سایر اصلاحاتی که عمدتاً رویکرد اقتصادی داشتند ادامه یافت. در حال حاضر، حکمرانی خوب، نظریه‌ای است که فقط رویکرد اقتصادی ندارد و در آن بر «ارایه خدمات عمومی کارآمد»، «نظام قضایی قابل اعتماد» و «نظام اداری پاسخگو» نیز تأکید میشود. بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ گزارش سالانه خود را به حکمرانی خوب اختصاص داد. همچنین، حکمرانی خوب در اعلامیه هزاره ملل متحد، شرط اساسی دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم بیان شده است.

زیرا باید بپذیریم که امروزه در حکمرانی آب دولت تنها کنشگر نیست. در واقع، نه تنها فعل باید به درستی واقع شود، بلکه بستر فعل هم باید آمادگی الزم را یافته باشد تا نتیجه مطلوب پدید آید. به عنوان یک اصل، اثربخشی و ماندگاری تصمیمات مسئولین تا حد زیادی تابع «معقول» و «مقبول» تلقی شدن آنها نزد عموم گروداران است. بدیهی است که مقبولیت به نوبه خود، نیازمند رعایت «عدالت» و «انصاف» در تصمیمگیریها میباشد. در عمل، اثر بخشی مدیریت آب بر دو مؤلفه «حکمرانی خوب» و «مدیریت بهم پیوسته آب» استقرار مییابد. بنابراین، چهار خصوصیت حداقلی در مدیریت مؤثر آب را میتوان به شرح زیر مشخص نمود

۱. رهبری اخالقمدار و تمرکز همزمان بر حقوق عامه (به ویژه اقشار آسیبپذیر)، حقوق آبران و حقوق محیط زیست؛
۲. تلاش برای تمرکززدایی (مشارکت گروداران و بویژه آبران در فرآیند تصمیمسازی) و در عین حال، حفظ یکپارچگی مدیریت آب؛
۳. فراهم آوردن دسترسی برای تصمیمسازان (و حتی عموم مردم) به اطلاعات بهنگام، موثق و کافی به عنوان مقدمه‌های برای جلب همدلی و همیاری ایشان؛ و...
۴. ایجاد ساز و کارهایی برای «گفتگو» و نیز «حل و فصل مناقشات» با حضور متخصصین و نمایندگان جامعه مدنی.

مدیریت جامع منابع آب

هدف از مدیریت جامع منابع آب، ایجاد سیستمی است که ضمن ارتباط دادن متقابل مدیریت منابع آب با محیط زیست و توسعه اجتماعی و اقتصادی، از انعکاس و بازخور آنها بهره‌مند شده و در نهایت با مشارکت بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری‌های تخصیص و توسعه منابع آب صورت می‌گیرد [۱]. حکمرانی جامع منابع آب مجموعه‌ای از قوانین، روش‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری در مسائل مربوط به مدیریت منابع آب و خدمات وابسته است که بسیار متأثر از شرایط سیاسی و روابط حاکم بر امور بین‌الملل دولت هاست چرا که حکمرانی آب یک مسئله بین‌المللی است تا یک موضوع منطقه‌ای، هر چند تمامی کارکردهای آن در منطقه باید اجرا و مدیریت شوند به این موضوع اخیراً در مجله بین‌المللی حکمرانی آب (IJWG) اشاراتی شده است [۲].

شرایط کنونی تخصیص بهینه‌ی منابع آب در ایران

شاخص میزان مصرف آب‌های تجدیدشونده کشور ۰/۸۵ است که به‌عنوان شرایط «فوق بحرانی» ارزیابی می‌شود. سالیانه به‌طور متوسط شش میلیارد مترمکعب اضافه برداشت از منابع آب زیرزمینی کشور انجام می‌شود که جزء ذخایر استراتژیک محسوب می‌شوند. شاخص پایداری آبخوان کشور نیز که حاصل تقسیم میزان تغذیه به میزان تخلیه از آبخوان است، عددی بیش از نود درصد را نشان می‌دهد که بیانگر «پایداری اندک» است.

در شاخص مدیریت منابع آب ایران با امتیاز ۲/۷۷ از ۱۰۰ در رتبه‌ی ۱۳۲ در بین ۱۳۳ کشور قرار گرفت و به‌طور کلی تمام رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، آبخوان‌ها و دشت‌های کشور با عدم تخصیص بهینه‌ی منابع آب و خشکی مواجه هستند و



مطمئناً در کشور رانتیر و در حال توسعه‌ای مانند ایران، وزارت نیرو، شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت‌های خصوصی مشاوران، مسئول این فاجعه نیستند! [۳].

حکمرانی پایدار منابع آب

دستیابی به حکمرانی پایدار منابع آب، نه به وسیله یک دستگاه و یک وزارتخانه بلکه به وسیله کل مجموعه دولت هم به تنهایی میسر نیست. برای دستیابی به حکمرانی پایدار منابع آب می‌بایست همه اجزای آن در کنار هم قرار بگیرند. به عبارت دیگر حکمرانی مطلوب منابع آب با مشارکت و همکاری دولت، جامعه مدنی، سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد و به طور عام، مشارکت فراگیر همه اقشار و ذی‌نفعان آب امکان‌پذیر است. قطعاً در مباحث حاکمیتی آب، بخشی از وظایف بر عهده دولت، بخشی بر عهده قوه قانونگذار و بخشی هم بر عهده دستگاه قضاست اما معادل وزن این سه قوه، مشارکت مردم و ذی‌نفعان مطرح است. مشکل ما این است که بحث توسعه پایدار و حکمرانی خوب منابع آب را به هم وصل نکردیم. ما باید به این پرسش، پاسخ دهیم که اعمال چه نوع حکمرانی می‌تواند پایداری را حفظ کند؟ در دنیا سه نوع حکمرانی عام بیشتر وجود ندارد.

یکی حکمرانی تام‌گراست که معمولاً دولت‌ها به صورت متمرکز آن را بر عهده می‌گیرند. دوم حکمرانی لیبرالیستی به شیوه غربی است که بیشتر به افراد و بخش خصوصی بها می‌دهد. سومین حکمرانی که هم‌اکنون مطرح است، حکمرانی مشارکت‌گرایانه است که جوامع محلی و بهره‌برداران را در این بحث دخیل می‌کند. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین شکل حکمرانی آب همین شکل سوم باشد. مادامی که شما نتوانید در یک سیستم، حکمرانی پایدار را اعمال کنید، با دستور و بخشنامه نمی‌توان آن را حل کرد چرا که بحث آب، ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، فنی و... دارد.

بنابراین برای دستیابی به حکمرانی پایدار آب، می‌بایست همه اقشار مردم، ذی‌نفعان، سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی سازمان‌های صنفی مدافع حقوق مردم وارد فرآیند تصمیم‌گیری شوند. نمی‌توان اینها را حذف کرد و مدعی حکمرانی خوب و پایدار آب شد چرا که دولت به تنهایی قادر به انجام این کار نیست. به نظر من، یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در بحث اعمال حکمرانی پایدار منابع آب که می‌توان آن را تمرین مناسبی برای کشور قلمداد کرد، حوضه دریاچه ارومیه است. به دلیل آنکه وضعیت آب این دریاچه بحرانی است، مسائل بین استانی مختلف در آن مطرح است، بحث‌های سدها و سازه‌های مختلف، مصارف کشاورزی، انتقال آب و... در این زمینه وجود دارد. بنابراین می‌بایست از افکار و نظرات مختلف در این راستا استفاده شود و امکان مشارکت همه ذی‌نفعان و بهره‌برداران فراهم شود چرا که بی‌تردید عقل جمعی بهتر از عقل فردی کار خواهد کرد.

ارزیابی اقتصادی، زیست محیطی، مالی و اجتماعی پروژه‌های سد و انتقال آب

آمار وزارت نیرو، شرکت‌های آب منطقه‌ای و به خصوص شرکت‌های مشاوران آن‌ها در زمینه‌ی ارزیابی زیست محیطی، مکان‌یابی، نیازسنجی، گزینه‌یابی، ارزیابی مالی (هزینه و فایده)، پیامدها، ارزیابی تطبیقی سدها و پایش نتایج حاصل از احداث سدها، کانال‌ها و تونل‌های انتقال آب، به شدت مخدوش، مبهم و گمراه‌کننده است. بسیاری از اطلاعات بیان حوضه‌های آبریز، ذخیره‌ی سدها، دبی رودخانه‌ها و ورود آب به تالاب، دریاچه و دریاها فقط در اختیار شرکت‌های مشاور قرار می‌گیرد تا به صورت ظاهری، کیفیت تحقیقات دانشگاهی در ارتباط با تحقیقات شرکت‌های مشاور بالاتر باشد و برخی حقایق پروژه‌های سدسازی و انتقال آب پنهان بماند.



وظیفه‌ی سدها ذخیره‌ی آب در ترسالی و عرضه‌ی آب در خشکسالی است؛ یعنی مهم‌ترین وظیفه‌ی سدها انتقال آب در طول زمان و به‌خصوص بلندمدت است. اما اطلاعات ورود و خروج سدها در کشور این حقیقت را نشان نمی‌دهد؛ به‌طوری‌که سدها در سال‌هایی که ورود بیشتری داشته‌اند، خرج بیشتری نیز داشته‌اند و برعکس در سال‌هایی که ورود آب به سدها کاهش یافته، خروج آب نیز کاهش یافته است.

همچنین در بیشتر مناطق فلات مرکزی ایران، به‌دلیل نبود ترسالی مکرر، بسیاری از سدها نباید با ظرفیت‌های کنونی احداث می‌شدند. خشک شدن تالاب‌ها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها، چاه‌نیمه‌ها، جلگه‌ها، دشت‌ها، افت منابع آب زیرزمینی، فصلی شدن آب‌های سطحی، حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در پایین‌دست سدها، بیابان‌زایی، تغییر شرایط اکوسیستم‌ها، نابودی جنگل‌ها و تغییر مسیر طبیعی رودخانه‌ها از اثرات مستقیم و انتقال آب بین حوضه‌ای و تغییر تولید محصولات کشاورزی در مناطق مختلف، تغییر شرایط جوی (مانند سیل، ریزگرد و غبار)، تغییر مسیرهای گردشگری، مهاجرت از روستاها، اختلافات قومی و اختلافات بین‌مرزی از اثرات غیرمستقیم احداث سدها در ایران است [۳].

بازبینی ساختار مدیریت آب

روند قبلی «مدیریتی» در حوزه‌های مرتبط با عرضه و مصرف آب، منجر به بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب سطحی و زیرزمینی در اغلب حوضه‌های آبی کشور شده است. عمال طی نیم قرن اخیر ادامه این روند منجر به وخیم‌تر شدن مستمر وضعیت منابع آب و نهایتاً بروز بحران آب گردیده است. در متون متداول «برنامه ریزی بخش آب کشور» در دو دهه اخیر میتوان برداشت نمود که غفلت از مواردی چون مدیریت تقاضا، ارزش ذاتی آب، جامع‌نگری در مطالعات، یکپارچگی در تخصیص و نیز مشارکت مردم از عوامل اصلی بروز بحران شناخته شده‌اند. علاوه بر این، عدم توجه به موازین و معیارهای اقتصادی در عرضه و تقاضای آب، منجر به عدم کارایی آب در اقتصاد ملی شده است. نگاهی به گذشته، نشان می‌دهد فقدان اراده سیاسی و عزم جدی در نهادهای قانونگذاری و اجرایی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در عدم تحقق اهداف برنامه‌ها داشته است. البته، عدم تعامل کافی با بخش خصوصی نیز در این شکست نقش داشته است. اکنون عزمی جدی برای تحول پدید آمده است و وزارت نیرو (به عنوان متولی آب کشور) اقدامات حمایتی در مسیر تحول از «وضع گذشته» به «وضع مطلوب» را آغاز نموده است. جنبه‌های اصلی تمایز «وضع گذشته» و «وضع مطلوب» در حکمرانی آب، از دیدگاه گروداران در جدول زیر بطور خلاصه نشان داده شده است.

جدول ۱- جنبه‌های تمایز «وضع گذشته» و «وضع مطلوب» در حکمرانی آب

| عنوان | وضع گذشته | وضع مطلوب |
|------------------------|--|---|
| نگرش حاکم بر مدیریت | بخشی‌نگری (عدم تعامل با سایر بخش‌ها) | فرابخشی (جامع‌نگری مطالعات و بهم‌پیوستگی تخصیص) |
| نحوه تصمیم‌گیری و اجرا | دستوری، از بالا به پایین | تصمیم‌سازی مشارکتی و پاسخگویی به گروداران |
| جهت‌گیری مدیریتی | تمرکز بر تأمین آب | مدیریت تقاضا (کنترل مصارف) |
| جهت‌گیری تشکیلاتی | سازمان تخصص‌گرای بسته (عمدتاً مهندسی) | سازمان چندتخصصی باز (طیف گسترده متخصصین) |
| نتیجه اقدامات | تحمیل هزینه‌های سنگین بر جامعه و محیط‌زیست | تعادل بخشی منابع آب و تضمین پایداری توسعه |

جنگ آب و حوضه‌های مشترک آب

ایران در مرزهای افغانستان، ترکمنستان، ارمنستان و عراق، رودخانه‌های مشترک دارد و حتماً در تمام مرزها نیز حوضه‌های مشترک آب زیرزمینی دارد که از حوضه‌های مشترک نفت و گاز مهم‌تر است و در آینده‌ای نه‌چندان دور، این اختلاف



جزئی با همسایگان بر سر آب‌های سطحی، نه تنها عمیق‌تر، بلکه به حوضه‌های زیرزمینی نیز کشانده خواهد شد و ضعف کنونی اقتصاد ایران در مدیریت منابع آب داخلی همچنان که در بین استان‌های مختلف اختلافاتی را آغاز نموده است، این اختلافات را به عرصه‌ی بین‌المللی خواهد کشاند.

نتایج و بحث

بر اساس ارزش و جایگاه منحصر به فرد منابع آب در تأمین رفاه و بهزیستی جامعه بایستی بر لزوم تداوم دسترسی به آب کافی و سالم برای همگان در هر زمان تأکید گردد. وجود پیوندهای قوی میان «توسعه اقتصادی پایدار» و «مدیریت آب»، ضرورت اصلاح مدیریت آب کشور را اجتناب ناپذیر کرده است. در این مسیر باید «چشم‌ها را شست» و تفسیری نو از مشارکت دولت و مردم در مدیریت آب عرضه نمود. حرکت و رسیدن به چنین سطحی از مشارکت نیازمند تجدیدنظر اساسی در ساختار مدیریت آب کشور ذیل گفتمان «حکمرانی خوب آب» و بازتعریف نقشها، اختیارات و مسئولیتها میباشد. امروزه، این گفتمان در سطح ملی بارز و مطرح است و حتی برخی از عناصر آن در اسناد و برنامه‌های رسمی کشور آمده و لذا بنظر می‌آید اراده سیاسی در سطح دولت برای دستیابی به حکمرانی خوب (موثر و شایسته) در حوزه مدیریت آب تا حدودی فراهم آمده است. اما پیاده سازی و استقرار یک مدیریت «جامع، مشارکتی و یکپارچه» در حوضه های آبی کشور، تحولی چالش‌دار و زمانبر است که بایستی با همراهی گروه‌داران (به ویژه آبران) به انجام رسد. چنین اقدامی سترگ (به مثابه یک «برنامه‌ی تحولی»)، نیازمند اجماع نسبی تمامی عوامل حکمرانی آب از حاکمیت تا گروه‌داران - در راستای یک «چشم‌انداز مشارکتی» است که به جز با تفاهم جمعی حاصل نمی‌آید. به عبارت دیگر: برای هر یک از حوضه های آبی کشور، «شاه کلید موفقیت در تحول مدیریت آب، همانا تحریک اراده جمعی کنشگران اصلی حوضه در جهتی واحد برای دستیابی به حکمرانی خوب آب است». البته، پیش نیاز دستیابی به این شاه کلید، آگاهی کنشگران از ماهیت منابع آب، وضعیت امروزین این منابع و نیز روند افزایشی فشارها بر منابع مذکور (ناشی از توسعه فزاینده و تغییر اقلیم) است. مسلماً، هوشیاری کنشگران از عواقب ادامه روند فعلی نیز نقشی اساسی در این تحول دارد. زیرا، علیرغم اختلافات کنشگران اصلی حوضه با یکدیگر، این آگاهی و هوشیاری عناصر اتصال دهنده آنان طی فرآیند تحول میباشند. بدیهی است فرهنگ سازی عمومی و حساس سازی مردم نسبت به ارزش بی همتای آب پاک، موجب پیدایش یک «سرمایه اجتماعی» قوی (فهم و راسخ) برای تداوم مسیر تحول خواهد بود.

متأسفانه بازوی مافیای در سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و حتی قوای سه‌گانه دراز شده است؛ به طوری که برای مبارزه با مافیای آب، نیاز به قدرتی ماورای قوا احساس می‌گردد. تخصیص کنونی آب چنان خسارت گسترده‌ای به اقتصاد ایران وارد نموده است که در صورت ادامه‌ی وضع کنونی، امنیت ملی به شدت تحت تأثیر تخصیص غیربهنه‌ی آب قرار خواهد گرفت.

همچنین مخالفان سدسازی، مخالف صد درصد سدسازی در کشور نیستند، بلکه مخالف استفاده از سدسازی و مدیریت سازه‌ای به‌عنوان برجسته‌ترین شیوه‌ی تخصیص بهینه‌ی آب در اقتصاد ایران هستند و با افزایش عرضه‌ی آب به روش سدسازی به‌جای سیاست‌های کنترل تقاضا مخالف‌اند. همچنین باید اقتصاد آب به‌عنوان معیار و ملاک تخصیص آب در کشور قرار گیرد و مهندسان و متفکران سازه‌ای برای اقتصاد آب تصمیم نگیرند.

منابع

۱. اسمعیلی، ا.، و عبداللهی، خ. ۱۳۹۰. "آبخیزداری و حفاظت خاک". انتشارات محقق اردبیلی. چاپ اول.
۲. مهدی‌زاده ملباشی، ت. ۱۳۹۴. "حکمرانی و مدیریت جامع منابع آب در فضای پسابرجام". فصلنامه صدای آب. شماره ۲. اردبیل.



دومین همایش ملی مدیریت منابع آب نواحی ساحلی

ساری - ۲۰ مهر ۱۳۹۶



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی ساری

۳. جلیلی کامجو، س.پ. ۱۳۹۴. "تخصیص پایدار و عملی‌سازی طراحی بازار آب". رساله دکترای اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.